



آثار شگفت انگیز نماز

صرفی پور، محمد تقی، ۱۳۴۴-

آثار شگفت انگیز نماز / نویسنده محمد تقی صرفی پور۔ قم: صرفی پور، ۱۳۸۷۔

۳۲ ص۔

ISBN ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۴۲۶ - ۰۲ - ۹ : ۶۰۰۰ ریال

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیما۔

کتابنامہ: ص ۳۱-۳۲؛ همچنین بہ صورت زیر نویس۔

۱۔ نماز _ فلسفہ۔ الف۔ عنوان۔

۲۹۷/۳۵۳

BP ۱۸۶/۲/ ص ۴ آ ۲

شناسنامہ کتاب

نام کتاب: آثار شگفت انگیز نماز

نویسنده: محمد تقی صرفی پور

طراح جلد: سید محمود موسوی

حروفچینی: لیلا اسماعیلی

صفحہ آرا: علی فقیہی

ناشر: انتشارات صرفی پور

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۸۷

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۲۶-۰۲-۹

مرکز پخش: ۰۹۱۶۳۶۱۳۰۴۳

فهرست مطالب

مقدمه	۵
نقش نماز در جنگ	۶
نماز و کاستن غم و اندوه	۷
نماز و برطرف شدن خطر	۹
نماز و رفع مشکلات خانوادگی	۱۰
باز هم تأکید بر نماز خواندن فرزند	۱۲
اهمیت مشارکت فرزندان در مراسم‌های دینی	۱۳
نماز و برطرف شدن وسوسه و حدیث نفس	۱۴
نماز و ادای قرض	۱۴
نماز و برآورده شدن حاجت	۱۵
نماز و استغاثه	۱۶
نماز و زیاد شدن حافظه	۱۶
نماز و آمرزش گناه	۱۶
نماز و انقلاب درونی	۱۶
داستان جوان عاشق!	۲۰
نماز و دوری از مفسد اجتماعی	۲۱
با نماز در راه حق قدم بگذار	۲۳
نماز و دوری از تکبر	۲۴
نماز؛ تشکر از پروردگار	۲۵

۲۶.....	آثار نماز در عالم پس از مرگ
۲۶.....	شش صورت در قبر مؤمن
۲۷.....	حدیثی از فاطمه (س)
۲۸.....	نماز شب
۲۸.....	نوشته‌ای بر درب ششم بهشت
۲۸.....	سفر معراج
۲۹.....	دوازده بلا!
۲۹.....	قصّاب در عالم برزخ
۳۱.....	منابع

مقدمه

هر جامعه و هر خانواده‌ای در مسیر بقای خود دچار مشکلات فراوانی خواهد شد و با موانعی برخورد خواهد کرد که راهکارهایی برای حل این مشکلات وجود دارد. یکی از راه حل‌های بی هزینه و بسیار موثر در کاهش مشکلات انسان‌ها، اهمیت دادن و توجه کردن به مسئله نماز است.

نمازی که ستون دین بوده و از مهمترین ویژگی‌های اولیای خدا اهمیت دادن به نماز است. دلیل مهم بودن نماز در دین، تأثیرهای شگرفی است که نماز در درمان بیماری‌های روحی و جسمی بشر دارد. تأثیرهایی که در جلوگیری از آلودگی‌های اخلاقی انسان‌ها ظهور می‌یابد؛ تأثیراتی که در تقرب به سوی خدا وجود دارد و دهها تأثیر مثبت دیگر که در نماز می‌توان دید.

ما در این نوشتار نگاهی کوتاه و خلاصه‌وار به ابعاد تأثیرهای نماز در درمان دردهای روحی و جسمی بشر می‌اندازیم. با آرزوی فراهم شدن بستر لازم برای برپایی این درمان‌کننده آسان و بی‌هزینه و مؤثر در جامعه اسلامی ایران.

محمد تقی صرفی پور

نقش نماز در جنگ

در جنگ‌ها و عملیات‌های سخت و مهم گاهی عرصه بر انسان‌های حق طلب، بسیار سخت می‌شود و دشمن از موضع قوی برخوردار است و شکست دادن او به آسانی میسر نمی‌شود. در این مواقع نیز علاوه بر داشتن توانایی‌های جنگی، باید از نماز کمک گرفت. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: هر وقت که جنگ مغلوب می‌شد و اسلام در مخاطره می‌افتاد، پیامبر می‌فرمود: «واستعينوا بالصبر و الصلوة؛ اَمَّتِ الصَّلَاةُ الصَّلَاةَ.»

در همان وسط جنگ و در همان خط مقدم جبهه، پیامبر و اصحاب هم پیاده می‌شدند و دو رکعت نماز می‌خواندند. آنها به نماز پناه می‌بردند و بعد سوار می‌شدند و می‌جنگیدند و پیروز هم می‌شدند. «امیرالمؤمنین (ع) در جنگ صفین به لشکریان فرمود: «شما ان شاء الله فردا با دشمن درگیر می‌شوید. پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خدا صبر و پیروزی بطلبید.»

شهید سر لشکر زین‌الدین می‌گفت: در شب‌هایی که بسیجیان نماز شب می‌خواندند، وقتی عملیاتی علیه دشمن انجام می‌شد، معمولاً به پیروزی چشمگیری می‌انجامید، ولی هنگامی که نماز شب بر پا

نمی شد، شکست‌هایی را هم در پی داشت.

نماز و کاستن غم و اندوه

نماز در کاهش غم و اندوه‌ها و ناراحتی‌های روحی نیز نقش درمانی دارد؛ همان گونه که در زندگی اولیای خدا آمده است در مواقعی که غم و اندوه به آن‌ها هجوم می‌آورد؛ همانند جنگ‌هایی که دشمن به آن‌ها هجوم گسترده می‌نمود، به نماز پناه می‌بردند.

«روایت شده چون مشکلی برای خانواده رسول خدا (ص) پیش می‌آمد، می‌فرمود: برخیزید نماز بخوانید بعد فرمود: خدا این گونه به من دستور داده است.»

درباره امیرالمؤمنین (ع) آمده است که در شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) تا غم به او هجوم می‌آورد، دو رکعت نماز می‌خواند، لذا قبل از غسل دادن دو رکعت نماز خواند. پیش از این که زهرا را در قبر بگذارد، هم نماز خواند. وقتی زهرا (س) را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین (ع) هجوم آورد و دو رکعت دیگر نماز خواند؛ «امام صادق (ع) فرمود: «هرگاه برای امیرالمؤمنین (ع) مشکلی پیش می‌آمد، به نماز پناه می‌برد.»

«رسول خدا (ص) فرمود: «پیامبران خدا چنان بودند که چون دچار نگرانی می‌شدند، به نماز پناه می‌بردند.»

راوی می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) آمدم. امام مشاهده کردند که من غمگینم. علت را پرسیدند. عرض کردم: خانمی در کوچه راه می‌رفت که ناگاه به زمین خورد. در این حال گفت: خدا لعنت کند قاتلین تو را ای فاطمه زهرا.

تا این حرف را زد، مأموران او را گرفتند و با کتک بردند. امام فرمودند. بلند شو دو رکعت نماز بخوانیم. به مسجد رفتیم و دو رکعت نماز خواندیم. امام از خدا خواستند که این زن نجات پیدا کند. طولی نکشید که خبر آوردند این زن را با احترام رها کرده‌اند.

در یکی از سفرهای عبدالله بن عباس به او خبر دادند که برادرت از دنیا رفت. عبدالله گفت: «اِنَّ اللَّهَ وَ اٰلَاَیْهِ رَاجِعُونَ»؛ آن‌گاه از مرکب فرود آمد و به کناری رفت و دو رکعت نماز خواند. پس از آن ساعتی با وقار و آرامش نشست و چون از جایش برخاست این آیه را خواند: «وَاسْتَعِیْزُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ اِیَّهَا لَکَبِیْرَةٌ اِلَّا عَلَی الْخَاشِعِیْنَ»^۱؛ از صبر و نماز یاری بجوید و این کار جز برای خاشعان، دشوار است.

رسول خدا (ص) فرمود: «ای مردم! هرگاه مشکلات چون کمربندی شخصی را محاصره کرد، وقتی دو سوم شب گذشت، فرشته‌ای به او می‌گوید برخیز و ذکر خدا بگو. اگر بلند شد و ذکر خدا

۱. سوره بقره، آیه ۴۵.

گفت، یک گره از مشکش باز می‌شود و اگر وضو گرفت و به نماز ایستاد تمامی گره‌هایش باز می‌گردد و صبح را با شادمانی شروع می‌کند.»

رسول خدا (ص) فرمود: «هنگامی که مشکلات و بلاها نازل می‌شود، اهل مساجد در امان‌اند.»

از عوامل خودکشی‌های جوانان و بزرگسالان، هجوم غم‌ها و مصیبت‌ها به آنان است که اگر آدمی در این مواقع به نماز پناه نبرد، شاید نتواند این بار را تحمل کند و از حال طبیعی خارج شده و دست به کارهای خلاف عقل همچون خودکشی بزند. اما آنان که به نماز پناه می‌برند، احساس می‌کنند که شارژ شده و قدرت و قوت تازه‌ای برای تحمل مشکلات و برخورد با آن پیدا می‌نمایند.

امام صادق (ع) فرمود: «چه مانعی دارد که وقتی برای یکی از شما مشکلی پیش می‌آید، وضو گرفته و به مسجد رفته و دو رکعت نماز بخواند و از خدا حاجتش را بطلبد. مگر نشنیده‌اید که خدا فرموده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» از صبر و نماز کمک بگیرید.»

نماز و برطرف شدن خطر

زمانی خطری متوجه انسان می‌شود، باید علاوه بر عکس‌العمل مناسب، به نماز روی بیاورد و گاهی هیچ راهی جز روی آوردن به نماز

برای انسان وجود ندارد.

راوی می‌گوید: منصور دوانقی زمانی غضبناک شد و تصمیم به قتل امام صادق (ع) گرفت؛ لذا امام را احضار نمود. هنگامی که امام به در قصر او رسید، به من فرمود: صبر کن تا دو رکعت نماز بخوانم وقتی امام نماز خواندند و نزد منصور رفتند، منصور اول عصبانی بود ولی بعد به صورت یک آدم متملق درآمد و امام را با احترام به منزلش بازگرداند.

در زندگی علما زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی و خطر به نماز روی می‌آوردند؛ از جمله وقتی حکم کشتن ملاطاهر قمی از سوی شاه طهماسب صفوی صادر شد و مأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملا طاهر رفت، قبل از اجرای حکم شاه، ملاطاهر مشغول نماز شد، و یک نماز طولانی را شروع کرد، ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان و رفتن نزد شاه به آگاهی ملاطاهر رسید و هنگامی که او را نزد شاه بردند، سخنانی بینشان رد و بدل شد و عاقبت با صحت و سلامت از کاخ شاه بیرون آمد.

نماز و رفع مشکلات خانوادگی

بسیاری از طلاق‌ها و جدایی‌ها و مشکلات خانوادگی با بی‌نمازی ارتباط دارد، برای مثال، خانمی در مجلس زنانه گریه می‌کرد و

می‌گفت: بعد از دو ماه که به خانه شوهر رفتم بیوه شدم؛ زیرا فهمیده‌ام که شوهرم معتاد است!

اگر این مورد را ریشه‌یابی کنیم، می‌بینیم که در هنگام خواستگاری زن و خانواده‌اش به مسئله نماز مرد توجهی نداشته‌اند، بلکه بیشتر به خصوصیات مادی و مسائل رفاهی درآمد او دقت کرده‌اند و چون از این جهت خیالشان راحت شده، به او جواب مثبت داده‌اند؛ اما بعد از دو ماه این خوشی‌ها تمام شد و حال باید سال‌های طولانی را با این مشکل دست به گریبان باشند.

شخصی خدمت امام باقر (ع) رفت و عرض کرد: برای دخترم خواستگار آمده است، آیا دختر به او بدهم؟ امام فرمود: اگر از دین و اخلاق او راضی هستی بده و دیگر نفرمود وضع مالی‌اش چگونه است؟

«امام رضا (ع) فرمود: اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند، ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند.»

پیامبر (ص) فرمود: «اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید، به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می‌آید.» مشکلاتی مانند اعتیاد سرپرست خانواده، بیکاری او و دوستان

باز هم تأکید بر نماز خواندن فرزندان

قرآن کریم می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»؛ خانواده‌ات را به نماز امر کن و بر این مسئله مداومت کن.»

مسئله نماز از مهم‌ترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد، مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزندان هزاران بار بیشتر است از خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند، ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و به اصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگ‌ترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای او است، آزاد بگذارند به این امید که روزی فرا رسد که نوجوان خود به نماز گرایش پیدا کند. خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

۱. سوره طه، آیه ۱۳۲.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱ ای مؤمنان خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

رسول خدا (ص) فرمود: «فرزند را در هفت سالگی به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت بگیرید و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»

اهمیت مشارکت فرزندان در مراسم‌های دینی

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کنند و فرزندان خود را نیز به همراه می‌برند، می‌توانند امیدوار باشند که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، سالم و سعادتمند خواهد بود، ولی پدرانی که خود هیچ‌گاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوب و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسان‌های والا تربیت می‌شود. مسجد سنگر اسلام است، مسجد محل ملاقات مؤمنان و وحدت و

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

صمیمیت آنان است. اگر چه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدا می‌شوند، یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند، ولی بیشتر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسم‌های مذهبی حضور پیدا می‌کنند و خداوند نیز طبق وعده‌هایی که داده است، در دنیا و آخرت از آنان حمایت می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ؛ خداوند از مؤمنان دفاع خواهد کرد.»

نماز و برطرف شدن وسوسه و حدیث نفس

اگر کسی دچار شک در دین و وسوسه شد، دو رکعت نماز بخواند و به خدا پناه ببرد.

نماز و ادای قرض

شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: من از کثرت قرض خدمت شما آمده‌ام و می‌خواهم چیزی به من بیاموزید تا سودی نصیبم شود و با آن قرضم را ادا نمایم.

۱. سوره حج، آیه ۳۸.

امام صادق (ع) فرمود: «وقتی شب شد، دو رکعت نماز بخوان که در رکعت اول حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و از آیه «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره حشر آیه ۲۱) را می خوانی و قرآن را بر سر می گذاری و خدا را به آن قسم می دهی سپس حاجت خود را می طلبی. آن مرد رفت و وقتی برگشت عرض کرد که قرضش ادا شده است.

نماز و برآورده شدن حاجت

امام سجاد (ع) دید که مردی در خانه ظالمی نشسته است. پرسید: در خانه این ستمکار چرا نشسته ای؟ گفت: گرفتار شده ام و آمده ام تا این ظالم مشکل مرا برطرف کند امام فرمود: بلند شو تا تو را راهنمایی کنم به دری که بهتر از در او است؛ به سوی پروردگاری که از او برای تو بهتر است. پس دست او را گرفت و به مسجد پیامبر آورد و فرمود: دو رکعت نماز بخوان و بعد از نماز بر محمد و آلش صلوات بفرست و آخر سوره حشر و شش آیه اول سوره حدید و دو آیه از آل عمران را بخوان و از خدا حاجتت را بخواه که عطا می فرماید.

نماز و استغاثه

اگر کسی بخواهد به خدا استغاثه کند و از او فریاد رسی بطلبد، موقع خواب ظرف آبی نزد خود بگذارد و موقع نماز شب بلند شود، ابتدا سه جره از آن بیاشامد، سپس وضو گرفته و دو رکعت نماز بخواند و در رکوع و سجود هر کدام ۲۵ بار بگوید: «یا غیاث المستغیثین» و بعد از نماز دعا می‌کند.

نماز و زیاد شدن حافظه

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: با زعفران می‌نویسی ... سپس در هنگام سحر دو رکعت نماز می‌خوانی که در هر رکعت حمد و پنجاه بار «قل هو الله» می‌خوانی و از آن آب می‌نوشی که برای حافظه مفید است.

نماز و آمرزش گناه

هر کس دو رکعت نماز که در هر رکعت شصت بار «قل هو الله» بخواند، وقتی نماز تمام شد، خدا گناهش را می‌آمرزد.

نماز و انقلاب درونی

یکی از آثار فردی نماز بر روی نمازگزار، انقلاب درونی و تغییر

حالت روحی است که در بعضی مواقع در انسان نمازگزار پیدا می‌شود و این انقلاب آن قدر با ارزش است که با هیچ چیز قابل قیاس نیست و گاه شده که بعد از نماز تحول مهمی در زندگی شخص رخ داده است حتی گاهی افرادی بوده‌اند که انقلاب روحی آنان در نماز چنان بزرگ است که فوق تحمل آنان بوده و در همان جان به جان آفرین تسلیم کرده‌اند.

گویند ثعلبه گناهی را مرتکب شد که رسول خدا (ص) و مردم مدینه او را به طور موقت از خود راندند. ثعلبه به بیابان‌ها رفت و مشغول توبه شد تا این که توبه او قبول شد. امیرالمؤمنین (ع) به اتفاق سلمان به دنبال او رفتند و او را به مدینه آوردند. وقتی آنها به مدینه رسیدند، موقع نماز عشاء شده بود. آنها به مسجد رفتند و به رسول خدا (ص) اقتدا کردند. رسول خدا (ص) بعد از سوره حمد، شروع به خواندن سوره تکاثر نمود. همین که آیه اول را تلاوت فرمود:

«الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ^۱؛ ثروت اندوزی شما را مشغول نموده است.»

ثعلبه نعره‌ای زد. چون حضرت آیه دوم را قرائت فرمود:

«حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ^۲؛ تا زمانی که قبرستان را مشاهده نمودید.»

۱. سوره تکاثر، آیه ۱.

۲. سوره تکاثر، آیه ۲.

ثعلبه بیشتر ناله کرد. و چون آیه سوم را شنید:

«كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ!؛ نه چنین است، به زودی خواهید فهمید!»

ثعلبه نعره‌ای کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

ملاحظه می‌کنید ثعلبه چگونه در نماز دچار انقلاب روحی شده و

نمی‌تواند آن را تحمل نماید؛ لذا در نماز از دنیا می‌رود و خوشا به حال

او.

عرفا و علمای دیگری بوده‌اند که در حال نماز از دنیا رفته‌اند؛ از

جمله در مورد مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی استاد امام - رضوان الله

علیه - از «حاج آقا حسین فاطمی» نقل شده است: به من گفتند که

آقای حاج میرزا جواد ملکی تبریزی جویای حال تو شده است. چون

می‌دانستم ایشان کسالت دارند با عجله به خدمتش رفتم، دیدم استحمام

کرده و خضاب بسته و پاک و پاکیزه در بستر بیماری افتاده و آماده

ادای نماز ظهر و عصر است. در میان بستر شروع به گفتن اذان و اقامه

کرد و دعای تکبیرات افتتاحیه را خواند و همین که به تکبیره الاحرام

رسید و گفت: الله اکبر! روح مقدسش از بدن به عالم قدس پرواز کرد.»

«شیخ علی کاشانی معروف به فریده الاسلام - از اساتید شهید

هاشمی نژاد - بسیار اهل عبادت بود و در منزلش اطاقی را برای

عبادت قرار داده و شب‌ها را به عبادت می‌گذرانند. او در جوانی به درجه اجتهاد رسیده بود و وقتی چندین ساعت با یکی از علمای مشهد بحث علمی کرد. آن عالم از وی پرسید: با این سن کم این همه علوم را چگونه فرا گرفته‌ای؟ ایشان جواب داد که از عنایت علی بن موسی الرضا (ع) فرا گرفته‌ام.

رحلتش را در ۲۴ سالگی از زبان میزبان‌ش این گونه نوشته‌اند: بعد از صرف شام به من گفت: خیلی مایلیم در حیاط منزل، زیر درخت تا صبح در عبادت باشیم. بعد برخاست دو رکعت نماز خواند. ذکر رکوعش را که شمردم، هفتاد بار بود. بعد از نماز کمی از مواعظ و احادیث را برای ما بیان کرد و به سجده رفت، دیگر سر از سجده بر نداشت و روح پاکش به ملکوت اعلیٰ پر کشید..

«آیت الله سید احمد کربلایی که استاد سید علی قاضی از اساتید علامه طباطبایی بوده است، رحلتش در هنگام نماز بود و در هنگام نماز عصر به سوی ملکوت پرواز کرد.»

آیا این حالت‌های شیرین معنوی را جز در نماز در حالت دیگری می‌توان مشاهده نمود؟ آیا آن‌ها که غرق در رفاه مادی هستند، از این لذت‌ها هم تاکنون داشته اند؟ آیا آن جوان‌هایی که به جای نماز، در خیابان‌ها و بازارها به دنبال جنس مخالف هستند و اگر در کار خود موفق بشوند، فو‌قش می‌توانند عمل نامشروعی را با ترس و دلهره انجام

دهند، می‌توانند لذت خود را با لذات مشروع و معنوی این بزرگان دین مقایسه کنند؟ حاشا و کلا! هرگز این‌ها با هم قابل مقایسه نخواهند بود. علامه طباطبایی فرمود: «مرحوم قاضی استاد ما می‌فرمودند که اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند!»

داستان جوان عاشق!

ملاحسن فیض کاشانی در دیوان خود داستان جوانی را به صورت شعر ذکر کرده که خلاصه آن چنین است:

روزی جوانی هیزم شکن، سر راهش به دختر حاکم که با همراهان خود می‌گذشت، برخورد و با یک نگاه عاشق او شد. جوان گرفتار عشق چون می‌دانست رسیدن به این دختر برای او ممکن نیست به نزد حکیمی رفت و از او برای حل مشکلش چاره جویی کرد. حکیم به او پیشنهاد کرد که به خرابه‌ای که بیرون شهر بود برود و شبانه روز به عبادت و نماز بپردازد. جوان که چاره دیگری نداشت حرف او را پذیرفت و با سجاده نماز به طرف خرابه رفت و در آن جا سجاده‌اش را پهن کرد و مشغول عبادت شد. چند روزی گذشت و مردم هنگام ورود و خروج از شهر چشمشان به جوان عابد می‌افتاد و توجهشان جلب می‌شد. کم‌کم صحبت درباره آن جوان در میان مردم شهر شایع

شد و همه درباره عبادت این جوان صحبت می کردند. کم کم این صحبت ها به گوش حاکم رسید و او تصمیم گرفت که از این جوان عابد دیدار کند. حاکم با همراهانش به خرابه رفت و مدتی نظاره گر عبادت های جوان شد؛ سپس به کاخش برگشت. چند روز بعد دوباره حاکم نزد جوان رفت و این بار به جوان پیشنهاد کرد که چون من پسری ندارم که جانشین من شود، بیا تو دخترم را بگیر تا بعد از من جانشین من شوی! جوان قبول کرد و به دستور حاکم برای او لباس های زیبا آوردند و با شکوه زیاد او را به کاخ حاکم بردند. وقتی جوان وارد کاخ شد و چشمش به آن همه شکوه و جلال ظاهری افتاد، ناگاه انقلابی در دلش پیدا شد و با خود گفت: تو مدتی نماز قلابی خواندی به اینجا رسیدی، اگر نماز حقیقی بخوانی به کجا می رسی؟ لذا برگشت و عشق دختر را از دلش بیرون کرد و عاشق خدا شد.

نماز و دوری از مفاسد اجتماعی

از جمله آثار فردی نماز دور کردن آدمی از مفاسد اخلاقی است. افراد نمازخوان معمولاً از اعتیاد و مجالس فساد و دوستان ناباب و مسائل انحرافی دیگر دور هستند و دچار آسیب های آنها نمی شوند؛ زیرا انسانی که به وسیله نماز با خداوند ارتباط برقرار می کند، گاه خود را در نماز در مقابل سلطانی مقتدر و دانا می بیند که از همه چیز او آگاه

است. و از همه کارهای او خیر دارد؛ خدایی که به او نعمت‌های فراوانی داده و در مقابل گناهان احتمالی او حلم ورزیده و او را عذاب ننموده است. در مقابل این چنین خدایی، آدمی احساس شرمندگی نموده و از انجام دوباره گناهان خودداری می‌کند. گاهی این شرمندگی و طلب پاکی از گناهان قبل، آن چنان در انسان قوی می‌شود که حاضر است عذاب دنیوی را تحمل کند تا اسمش در لیست پاکان ثبت شود و گناهی که کرده محو گردد و این فرایند در دوری انسان از گناهان نقش مهمی دارد.

اگر نمازگزاری احیاناً به گناهی آلوده شود، نماز بعدی او در عذاب وجدان و احساس ندامت اثر گذاشته و او را به طلب پاکی سوق می‌دهد، و این اثر وقتی در همه نماز خوانان با شدت و ضعف ظاهر شود، نماز خوانان روز به روز پاک‌تر شده و از مفاسد فاصله می‌گیرند. چه بسیار گناهکارانی که با غسل توبه و نماز خواندن، در آن‌ها تحول ایجاد شده و به انسان‌هایی پاک‌دامن تبدیل شده‌اند.

نمونه ادعای فوق و ضعیف متفاوت اخلاقی نمازگزاران با بی‌نمازهاست. در شهرها و روستاها هر جا ناهنجاری دیده می‌شود، از بی‌نمازهاست. عربده کشی‌های مستانه از بی‌نمازهاست. ترانه‌های مبتذل از منازل بی‌نمازها شنیده می‌شود. مجالس فساد و لهو و لعب مربوط به بی‌نمازهاست. دنبال زنان و دختران راه افتادن و ایجاد مزاحمت

برای آنان کار بی نمازهاست. ایجاد باندهای فساد و آدم ربایی و راهزنی و سرقت و فساد در زمین کار بی نمازهاست؛ زیرا نماز جلوی همه این مفاسد را سد می‌نماید. نماز نمی‌گذارد که انسان به دنبال نوامیس مردم حرکت کند. نماز نمی‌گذارد که آدمی باند فساد همانند باند ۱۹ نفره روباه به وجود بیاورد و دختران و زنان را به انواع مفاسد آلوده کند! نماز نمی‌گذارد که انسان به سرقت و راهزنی اموال مردم مشغول شود. نماز نمی‌گذارد که آدمی به جای حضور در مجالس علم و هنر و ادب، آلات موسیقی همچون طنبور را به دست گرفته و در محافل و مجالس، انسان‌ها را به جای این که به یاد خدا و قیامت بیاندازد، به حالت‌های شیطانی و عشقی دعوت کند.

آری نماز آثار مهمی دارد که متأسفانه اکثریت مردم از این آثار غافل هستند؛ لذا گرفتاری‌های مختلفی برایشان پدید می‌آید و نمی‌دانند چگونه این گرفتاری‌ها را درمان کنند؟ در حالی که با کم هزینه‌ترین راه درمان یعنی دعوت خود و خانواده‌شان به سوی نماز و حضور خود و فرزندان‌شان در مساجد و حسینیه‌ها می‌توانند جلو این گرفتاری‌ها را بگیرند!

با نماز در راه حق قدم بگذار

در روایات و سخنان بزرگان دین فاصله بین کفر و ایمان را نماز

خواندن و نماز نخواندن ذکر کرده‌اند. و این مایه تعجب بعضی افراد که شناخت کاملی از دین اسلام ندارند، شده است. مثلاً شخصی در اجتماع به عنوان فرد خیر ده‌ها مدرسه و بنای خیر دیگر ایجاد نموده است، اما نماز نمی‌خواند و با این حال از دنیا می‌رود. طبق احکام دین اسلام این فرد در عالم برزخ و در آخرت مشکل دارد و نمی‌تواند از ایستگاه نماز رد شود و اگر نماز کسی قبول شد، بقیه اعمالش هم پذیرفته می‌شود و اگر نماز کسی رد شد، بقیه اعمالش هم رد می‌شود.

نماز و دوری از تکبر

یکی از آثار فردی نماز، دور کردن انسان از تکبر در مقابل پروردگار خویش است و اگر اثر نماز فقط در همین یک اثر خلاصه شود، برای ارزش و اهمیت نماز کافی است؛ زیرا تکبر مرض خطرناکی است که متأسفانه بسیاری از افراد را مبتلا نموده است.

خواندن نماز اولین نشانه از بین رفتن تکبر انسان در مقابل خداوند است. مخصوصاً در نماز جماعت‌ها و در حضور دیگران در یک صف ایستادن. استاد در کنار شاگرد؛ فرمانده در کنار سرباز؛ رئیس در کنار مرئوس؛ عالم در کنار جاهل؛ وزیر در کنار آبدارچی؛ پولدار در کنار فقیر؛ قوی در کنار ضعیف. این حالتی است که باعث عصبانیت ابلیس می‌شود؛ زیرا او تکبر کرد و از رحمت الهی دور شد، ولی نماز خوان

نماز؛ تشکر از پروردگار

یکی از آثار نماز، انجام تشکر و قدردانی از نعمت‌های الهی است. باید از خدایی که آن قدر به آدمی نعمت داده است که هیچ‌گاه کسی نمی‌تواند همه نعمت‌های خداوند را بشمارد، تشکر کرد و یکی از بهترین راه‌های آن خواندن نماز است.

وقتی خداوند به رسول خدا (ص) کوثر یعنی حضرت فاطمه (س) را عطا کرد، به او فرمان داد تا در مقابل این عطا نماز بگزارد. «إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ؛ ما به تو کوثر را عطا کردیم؛ پس نماز بخوان و هنگام تکبیره الاحرام، دست‌ها را بالا ببر.»

ما هم باید از این الگوی حسنه پیروی کرده و برای شکر نعمت‌های پروردگار حداقل نمازهای پنج‌گانه را به جا آوریم که هرکه این نمازها را به جا آورد، از شاکران بوده و هر که به جا نیاورد، از کافران و نمک‌شناس‌هاست و از آثار کفران نعمت، قطع شدن رحمت و نعمت‌های خداوند می‌باشد.

آثار نماز در عالم پس از مرگ

انسان‌ها تا زنده هستند دارای اختیار بوده و می‌توانند فریاد «انا رجل» سر بدهند و خلاصه هر کاری بخواهند بکنند، ولی بعد از مرگ اسیر دست مأموران الهی شده و قدرتمندان بزرگی همچون فرعون‌ها و نمرودها همچون مگسی ذلیل شده و نمی‌توانند هیچ اقدامی برای فرار از قدرت لایزال الهی بنمایند. در این مرحله است که فرق بین نماز خوان‌ها و بی نمازها معلوم می‌شود. نماز خوان‌ها در عزت و خوشحالی و سرور و محبت الهی قرار گرفته و مورد استقبال مأمورین الهی و اولیای خدا قرار می‌گیرند و همه سختی‌ها را فراموش کرده و در راحتی ابدی به سر می‌برند، ولی بی نمازها باید بدانند که مرگ آنها مساوی با شروع شدن عذاب‌ها و شکنجه‌ها و سختی‌های عالم آخرت است. آن‌ها هفتاد سال و کمتر و بیشتر در حالت بی نمازی را خوشی‌های ابدی آخرت ترجیح دادند و تکبر کرده و در مقابل خدای خویش پیشانی بر سجده نهادند. حال باید تاوان بی نمازی خود را پس داده و فریاد عذاب شدنشان در گوش اولیای خدا طنین انداز شود.

شش صورت در قبر مؤمن

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه بنده مؤمنی می‌میرد، شش صورت به همراه او وارد قبرش می‌شود که دارای نورانیت و بوی خوش و

پاکیزگی هستند. صورتی در سمت راست مرده و دیگری در سمت چپ و سومی در مقابل و چهارمی در پشت سر و پنجمی در کنار پایش و آن که از همه زیباتر است در بالای سر او می ایستد!

آن که از همه زیباتر است، از دیگران می پرسد: شما کیستید؟ صورت سمت راستی، می گوید: من نمازم! سمت چپی می گوید: من زکاتم! روبرویی می گوید: من روزه ام! پشت سری می گوید: من حج و عمره ام! آن که نزد پایش ایستاده است، می گوید: من کارهای خیر توام! سپس آن ها از او که دارای زیباترین صورت است، می پرسند: تو کیستی که از همه زیباتری؟ او جواب می دهد: من ولایت آل محمد (ص) هستم.

حدیثی از فاطمه (س)

در مورد کسانی که نسبت به نماز خود سهل انگار هستند، روایتی از رسول خدا (ص) توسط فاطمه زهرا نقل شده است که فرمود: از جمله آثار این خصلت بد آن است که سه گرفتاری در قبر پیدا می کنند: اول آن که خداوند ملکی را مأمور عذاب آن ها می کند! دوم آن که قبر بر آنان تنگ و ناراحت کننده می گردد و سوم قبرشان تاریک است!

نماز شب

رسول خدا (ص) فرمود: از جمله آثار نماز شب، این است که روز قیامت، تاجی بر سر و سایه‌ای بر بالای سر صاحبش می‌شود.

نوشته‌ای بر درب ششم بهشت

بر درب ششم نوشته است «لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله؛ من اراد أن يكون قبره وسیعاً فلیبن المساجد، و من اراد أن لا یأکله الدیدان تحت الارض فلیسکن المساجد و من أحب أن یكون طریاً نظر الایلی جسده، فلیسکن المساجد و من أحب أن یری منزله فی الجنة فلیبن لیکسی المساجد بالبسط؛ هر که می‌خواهد قبر او فراخ باشد، مسجد بسازد و هر که می‌خواهد کرم‌های قبر او را نخورند، اهل مسجد باشد و هر که می‌خواهد محل خود در بهشت را ببیند، مساجد را فرش نماید و برای نماز آماده کند.

سفر معراج

رسول خدا (ص) فرمود: در معراج به ملکی رسیدم و گفتم تو چه کار می‌کنی؟ گفت: من حساب برف و باران‌هایی که بر زمین نازل می‌شود را دارم، ولی از حساب سه چیز عاجزم: نماز جماعتی که عدد

آنها از ده نفر بگذرد؛ کسی که در نیمه شب بلند شود و از خوف خدا گریه کند و اگر ده نفر با هم بر تو صلوات بفرستند؛ فقط خدا از حساب این‌ها خبر دارد.

دوازده بلا!

رسول خدا (ص) فرمود: هر که نماز جماعت را ترک کند، به دوازده بلا گرفتار شود: بی برکتی رزق، ظلمت قبر، دشمنی مردم با او، سختی مردن، گرسنه و تشنه جان کندن، بسته بودن زبان در جواب نکیر و منکر، سختی قبر، عدم استجاب دعا، سختی حساب در قیامت، عقوبت شدید قیامت، داشتن عذاب کافران!

قصّاب در عالم برزخ

مرحوم نراقی از یکی از موثقان نقل کرده است که روز سه شنبه یکی از سال‌ها به خانه یکی از دوستان که نزدیک قبرستان بود، رفتیم. سپس تصمیم گرفتیم که به زیارت اهل قبور برویم. وقتی بر روی قبرها نشسته بودیم، یکی از رفقا به شوخی، خطاب به یکی از قبرها که نزدیکمان بود، گفت: ای صاحب قبر! ایام عید است! آیا از ما پذیرایی نمی‌کنی؟ ناگاه صدایی از قبر بلند شد که گفت: هفته دیگر، سه شنبه، همه همین جا مهمان من هستید! همه ما وحشت کردیم! و گمان کردیم

تا روز سه شنبه بیشتر، زنده نیستیم! مشغول وصیت و توبه و اصلاح کارهایمان شدیم! اما از مرگ خبری نشد! روز سه شنبه، قسمتی از روز که گذشت، با هم جمع شدیم و گفتیم که بر سر همان قبر برویم. شاید منظور مردن نبوده است! وقتی که سر قبر رفتیم، یکی از ماها گفت: ای صاحب قبر! به وعده خود عمل کن. صدایی بلند شد که بفرمایید. ناگاه باغی در جلوی چشم ما ظاهر شد، در نهایت طراوت و صفا، با نهرها و درخت‌های میوه و مرغ‌های خوش‌الحان. به ساختمان زیبایی رسیدیم و دیدیم که شخصی خوش سیما با خدمتکاران خود نشسته است. وقتی ما را دید، با انواع و اقسام شیرینیجات و میوه‌هایی که در عمرمان ندیده بودیم، از ما پذیرایی کرد. هر چه می‌خوردیم، چنان لذت داشت که سیر نمی‌شدیم. ... از او سؤال شد که: از کجا به این مقام رسیدی؟ گفت: من قصاب بودم، دو خصلت را همیشه رعایت کردم: کم فروشی نکردم و نماز اول وقت، ترک نشد.

منابع

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی
۲. برنامه سلوک، علی شیروانی
۳. هزار و یک نکته درباره نماز، دیلمی
۴. مجمع المعارف و مخزن العوارف، محمد شفیع بن محمد صالح
۵. عصر امام خمینی (قدس سره)، میر احمد رضا حاجتی
۶. اخلاق و خودسازی، آیه الله مظاهری
۷. قصار الجمل
۸. تفسیر دررالمشور
۹. ثواب الاعمال، شیخ صدوق
۱۰. جامع احادیث الشیعه، آیه الله بروجردی
۱۱. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی
۱۲. داستان هایی از زندگی علما ج ۲ مؤلف
۱۳. میزان الحکمه، محمدی ری شهری
۱۴. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی
۱۵. اصول کافی، مرحوم کلینی
۱۶. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی
۱۷. خوبی ها و بدیها، مؤلف

۱۸. روزنامه کیهان

۱۹. روزنامه جمهوری اسلامی

۲۰. روزنامه رسالت

۲۱. روزنامه کیهان هوایی

۲۲. روزنامه اطلاعات